

## بوستان سعدی به تصحیح علی‌یف

آقای رستم‌علی‌یف از مردم شوروی خود را از صاحب نظران دربارهٔ ادب فارسی می‌داند و حرف‌هایی در بارهٔ فردوسی و سعدی می‌زند که به دانشمندان شوروی که در فرهنگ اصیل ایران تأمل و تعمق دارند و شاهنامهٔ فردوسی و آثار بزرگان این سرزمین را به دقت تصحیح و چاپ و منتشر می‌فرمایند لطمه‌ای شکننده وارد می‌آورد، زیرا شاید بعضی از نااهلان را به گمان افکنند که آن بزرگان هم از قماش آقای رستم‌علی‌یف هستند.

این آقای علی‌یف بوستان شیخ سعدی را به خیال خود تصحیح و تمقیح کرده و عجیب این است که استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر و مینوی و دکتر صفا آن را سخت ستوده‌اند، و عجیب‌تر این‌که کتابخانهٔ پهلوی به ریاست دکتر شجاع‌الدین شفا آن را به خرج خود چاپ کرده و لابد حق زحمتی هم در این خراب‌کاری به آقای علی‌یف مرحمت فرموده است!

به راستی شخص شاخ درمی‌آورد که این استادان، بی‌مطالعه و بی‌دقت کاری ناستوده را بستانند و برقص‌اند و شوند که در سرتاسر این کتاب از مرحوم فروغی به زشتی یاد شود؛ به آن فروغی که بوستان را با نهایت دقت و همت تصحیح فرموده؛ و بوستانی که جز یکی دو اشتباه مطبعی پیش ندارد و آن نیز گناهی است که بنده یغمائی مرتکب شده‌ام.

من آقای اکبر طرفه را نمی‌شناسم، اما از صمیم قلب به او دعا کردم که این کتاب‌دا با نسخ دیگر مقابله فرموده و اشتباهات و غلط‌ورزی‌های علی‌یف را نموده؛ و در مجلهٔ کاوه چاپ آلمان به مدیریت جوان فاضل محمد عاصمی در دو شماره ۳۳ و ۳۴ سال ۱۳۵۰ به طبع رسانده است. خداوند تعالی اجرشان دهد.

حتی این بود که این مقالهٔ مفصل با تمام در مجلهٔ ینما تجدید می‌شد اما به طبع قسمتی از آن توفیق یافت هر که خواهد بداند که علی‌یف با بوستان سعدی و با فروغی چه کرده است به آن دو مقاله رجوع کند و در ضمن به دورویی‌ها و ستایش‌های دروغی و بی‌حمیتی استادان خودمان نیز توجه فرماید. حیب یغمائی

دربارهٔ مزایای بوستان چاپ پروفیسور رستم‌علی‌اف ایران‌شناس نامی شوروی سخنان ستایش‌آمیز فراوان از ناحیهٔ دانشمندان ایرانی گفته شده که در مقدمهٔ آن کتاب درج است. در اینجا حاجتی به تکرار آنها نیست. مقدمه‌های تعارف‌آمیز دانشمندان ایرانی از جمله استاد فقید بدیع‌الزمان فروزانفر و دکتر ذبیح‌الله صفا در حکم چشم‌بندی است که امر را بر خواننده مشتبه می‌سازد و او را در بادی نظر از تفحص در صحت و سقم متن باز می‌دارد. تعجب‌آور نیست که با ملاحظهٔ مقدمه‌های کتاب برخی از مجلات وزین، بدون استقصاء در بارهٔ بوستان چاپ پروفیسور علی‌اف چنین نوشته‌اند: «مصحح که خاورشناسی از کشور شوروی است بر اساس شش نسخهٔ خطی قدیم و دو نسخهٔ چاپ فروغی و قریب، این متن مصحح جدید را که مضبوط‌ترین متن تواند بود انتشار داده

است. مقدمه‌های کتاب بقلم بدیع الزمان فروزانفر، دکتر ذبیح الله صفا، مجتبی مینوی، مجید یکنائی است و همه روش کار علی اف را تأیید کرده و پسندیده‌اند. ( راهنمای کتاب - شماره نهم، سال یازدهم - دیماه ۱۳۴۷ ص ۴۵۸ - ۴۵۹ )

انتقاد نویسنده بر بوستان چاپ آقای پروفیسور علی اف از چند لحاظ است :

۱- فقدان روش واحد علمی در تصحیح و مقابله بوستان و ترجیح نابجای نسخه مضبوط در دوشنبه بر سایر نسخه‌های معتبر دیگر .

۲- شرح شمه‌ای از مشخصات نسخه دوشنبه و ارائه بی‌سوادی کاتب آن نسخه .

۳- عدم آشنائی ناشر محترم به رسم الخط کنونی فارسی و وجود دو رسم الخط متفاوت ( صحیح و ناصحیح ) در بوستان که برای يك متن ادبی قابل استناد نقص بزرگی است .

۴- سخنان ناروای تهمت‌آمیز ناشر در حق مرحوم فروغی .

ملاحظات چهارگانه فوق الذکر در طی چهار بخش تشریح شده است . هر خواننده آگاه پس از مرور بوستان چاپ پروفیسور علی اف درمی‌یابد که قصد ناشر محترم عبارت بوده است از : اولاً مبالغه در اصالت نسخه دوشنبه و ترجیح آن بر نسخه‌های معتبر دیگر و ثانیاً خوار نمودن زحمات فروغی که این ، با روش يك محقق بی‌غرض ، مغایرت تام دارد .

۱- ترجیح نابجای نسخه دوشنبه بر نسخه‌های اصلی دیگر

در تصحیح و طبع نسخه‌های قدیم از جمله بوستان سعدی ضبط و انتخاب متن باید بر دو پایه عمده قرار گیرد .

اول ، متن ، مکتبی به قدیمترین نسخه‌های اصیل و معتبر باشد .

دوم منطبق به سبک و زبان شاعر باشد .

ناشر محترم با آنکه در مقدمه تشریح کرده‌اند که « اساس و اصل متن حاضر بوستان را متن نسخه‌های دوشنبه - چستر بیٹی و پاریس تشکیل می‌دهد » ( مقدمه ص ۵۵ ) ( علامت اختصاری نسخه ها د - چ - پ ) ، معذک در مواردی متعدد این اصل را چندان رعایت نکردند و نه فقط ضبط صحیح دو نسخه معتبر و قدیمی چ و پ را در متن نگذاشتند بلکه ضبط بقیه نسخ معتبر را نیز محل اعتنا فرار ندادند و به جهات نامعلوم ترجیح دادند که ضبط نسخه ۵ را که از لحاظ صورت و مضمون که گاه غریب می‌نماید در متن جا دهند . و این ترجیح چنان که خواهیم دید يك ترجیح بلامرجح است . ناشر محترم گویی این قصد را داشتند که به پاره‌ای ابیات رنگ غرابت بدهند تا از این راه قدمت و اصالت نسخه ۵ به اثبات برسد . ولی نکته پیداست که قدمت و اصالت نسخه وقتی اعتبار می‌یابد که کاتب آن اهلیت داشته باشد و در غیر این صورت اگر دست خط سعدی هم بدست کاتب نااهل بیفتد :

پیداست کزان میان چه خواهد برخاست .

از ذکر این نکته صرف نظر می‌کنیم که سه نسخه د - چ و پ از حیث تاریخ کتابت تقریباً اختلاف چندان با هم ندارند و همه از لحاظ اصالت و قدمت در عرض واحدند . به ذکر چند مثال می‌پردازیم : در صفحه ۲۰۴ سطر ۵ این بیت در بوستان حاضر آمده است :

غنیمت شمارند مردم دعا  
بزرگان چه گفتند خنماصفا  
با قید شماره ۴ در حاشیه چنین آمده است .

(۴) پ - ج - ل - ت - با - ف - ع - که جوشن بود پیش تیر بلا

ملاحظه فرمائید ناشر محترم از ۷ نسخه از آن جمله دو نسخه اصلی ج و پ چشم پوشیدند و همه را فدای نسخه ۵ کردند و يك ضبط ناصحیح در متن گذاشتند . به عقیده نگارنده ضبط ۷ نسخه قدیمی و معتبر که در حاشیه آمده صحیح است و باید در متن قرار گیرد و ضبط نسخه ۵ که در متن آمده خطاست و می‌بایست به حاشیه برود . چرا و به چه دلیل ؟ اولاً وقتی که به معنی شعر توجه کنید ملاحظه می‌فرمائید که مصرع اول ارتباط ندارد . ثانیاً سعدی این مصرع دوم را چند صفحه بعد در محل اصلی خود آورده است . بدین ترتیب :

يك خرده مپسند بروی جفا  
بزرگان چه گفتند خنماصفا

( صفحه ۲۱۵ سطر ۱۵ ) در اینجا ارتباط مصرع دوم با معانی آیات پیش مسلم است . زیرا سعدی داستان جوان هنرمندی را نقل می‌کند، که جامع انواع کمالات بود و با این هنرها فقط يك عیب داشت به این معنی که به واسطه نداشتن دندان پیشین حرف ابجد را نمی‌توانست صحیح تلفظ کند . کسی این را بر جوان عیب گرفت . سعدی می‌گوید که در این جوان چندین هنر را ندیدی و تنها عیب او را دیدی ؟ این سزاوار نیست و بعد می‌گوید : بزرگان گفته‌اند که نیکی‌ها و پاکی‌ها را باید برگزید و از میان خار و گل ، باید گل را انتخاب کرد :

بود خار و گل با هم ای هوشمند  
چه در بند خاری تو گل دسته بند

( همان صفحه سطر ۱۶ ) این نکته را سعدی بارها گفته است که آدمی باید به هنر چشم

بدوزد نه به عیب : گر هنری باشد و هفتاد عیب  
دوست نبیند بجز آن يك هنر

پس مصرع دوم : بزرگان چه گفتند خنماصفا متعلق است به صفحه ۲۱۵ نه صفحه ۲۰۴ و در صفحه ۲۰۴ طبق نسخه ۵ غلط آمده است و ضبط ۷ نسخه دیگر صحیح است و باید چنین باشد :

غنیمت شمارند مردم دعا  
که جوشن بود پیش تیر بلا

ارتباط معنی بین این دو مصرع واضح است . زیرا در زبان فارسی از قدیم این مثل جاری بوده است که دعا سپر بلاست . یا : بلا به دعا خواستن ( نقل از امثال و حکم دهخدا ص ۶۵۹ ) و نیز : دعای گوشه نشینان بلاگرداند ( امثال و حکم دهخدا جلد ۲ ص ۸۱۶ ) که کاتب نسخه ۵ از راه سهل‌انگاری و بدون دقت در ارتباط معنی يك مصرع را دو بار کتابت کرده است و این سهل‌انگاری او منحصر بفرود نیست . مثلاً در باب اول بوستان حاضر در صفحه ۱۵ می‌بینیم که کاتب نسخه دوشنبه در يك صفحه در اثر « دقت » مصرعی را دو بار نوشته است . این مصرع چنین است : که ترسد که در ملکش آید گزند يك بار در سطر ۱۰ . خوشبختانه ناشر محترم متوجه این سهل‌انگاری کاتب نسخه ۵ شدند و در سطر ۲ مصرع نسخه ۵ را حذف کردند و از روی نسخه معتبر ضبط صحیح را آوردند .

دیگر از مواضعی که کاتب نسخه ۵ بازم در اثر « دقت » مصرعی را دو بار آن هم در يك صفحه و در دو بیت متوالی نوشته در باب ۷ صفحه ۱۹۷ سطر ۱۲ و ۱۳ است . طبق ضبط حاشیه این دو بیت در نسخه ۵ چنین بوده است :

ترا هر که گوید فلان کس بدست  
چنان‌دان که در پوستین خود دست

به بد گفتن خلق چون دم زدی چنان‌دان که در پوستین خودی  
خوشبختانه ناشر محترم در اینجا هم متوجه غفلت کاتب نسخه شدند و با مقایسه به  
متون معتبر دیگر از جمله بوستان فروغی شعر دوم را چنین تصحیح کردند (گرچه در حاشیه  
نسخه بدل‌ها را ضبط نکردند)

به بد گفتن خلق چون دم زدی اگر راست گویی سخن هم بدی  
باید گفت در تمام موارد فوق در بوستان چاپ فروغی ضبط صحیح آمده‌است.  
بدین ترتیب :

به يك خرده مهسند بروی جفا بزرگان چه گفتند؟ خنماصفا  
و نیز : غنیمت شمارند مردم دعا که جوشن بود پیش تیر بلا  
و نیز : به بد گفتن خلق چون دم زدی اگر راست گویی سخن هم بدی  
از روی قرائن فوق معلوم می‌شود که مصرع : بزرگان چه گفتند خنما صفا ، دو بار  
به دست کاتب نسخه در تکرار شده و ناشر در تصحیح آن غفلت فرمودند .

\*\*\*

نمونه دیگر : در باب سوم ص ۱۱۳ سطر ۱۱ در چاپ بوستان حاضر چنین آمده است:  
بدیباچه بر اشك یا قوت قام به حسرت بیارید و گفت ای همام  
به حاشیه مراجعه می‌کنیم . با قید شماره ۱۰ هفت نسخه : پ - ل - ت - پا - ف -  
ع - ضبط کرده‌اند : غلام ، فراموش نکنید که از میان نسخه‌های فوق دو نسخه ج و پ اصلی  
است و ناشر محترم باز این نسخه‌های اصیل و معتبر را فدای نسخه در کرده است .  
به عقیده نگارنده ضبط نسخه‌های هفت گانه فوق صحیح و به سبک و زبان سده نزدیک  
است و می‌بایست در متن جا گیرد نه در حاشیه . چرا ؟ برای اینکه خطاب : ای غلام در  
بوستان يك خطاب مانوس برای سده است .  
می‌دانیم که شعرای بزرگ در منظومه‌ها و اشعار خود عتاتاً يك سلسله تعبیرات و تکیه  
کلام‌های خاص دارند .

وقتی که به اشعار فردوسی ، مولوی ، حافظ ، سعدی و غیره مراجعه کنید می‌بینید هر  
يك از این سخنوران دوست دارند که يك سلسله تعبیرها را مدام تکرار کنند . مثلاً حافظ در  
غزلیات خود يك رشته تعبیرات خاص دارد مانند . بیا ، بیار باده ، و غیره از حافظ  
است : بیا که قصر اهل سخت سست بنیاد است ( حافظ قزوینی و دکتر غنی ص ۲۷ )  
بیا که وضع جهان را چنانکه من دیدم ( همان حافظ ص ۳۳۰ ) بیا که رونق این  
کارخانه کم نشود ( همان حافظ ص ۳۳۸ ) مثال از فردوسی و مولوی و حافظ در این باره  
فراوان است . سده هم در بوستان تکیه کلام‌ها و تعبیرات خاص دارد که یکی از آنها خطاب‌ای  
غلام است . مثلاً :

ز کف رفته بیچاره‌ای را لگام نکویند آهسته ران ای غلام  
( بوستان چاپ دکتر علی‌اف ص ۱۲۶ سطر ۱ ) و نیز :  
مکن خانه بر راه سیل ای غلام که کس را نکشت این عمارت تمام

( بوستان حاضر ص ۱۸۴ سطر ۸ ) اما در صفحه ۱۱۳ خطاب ای غلام همچنانکه در ۷ نسخه معتبر ( و از جمله دو نسخه قدیمی اصلی ) آمده هم نزدیک تر به سبک سعدی و هم دقیق تر است . زیرا مضمون داستان گفتگوی پیر مرشدی است با مرید خود . و این در عرف آن عصر بعید می نماید که یک مرشد به مرید خود خطاب کند و به او بگوید : ای همام داستان چنین است :

شنیدم که پیری شبی زنده داشت	سحر دست حاجت به حق بر فراشت
یکی هاتق انداخت در گوش پیر	که بی حاصلی رو سر خویش گیر
برین در دعای تو مقبول نیست	بخواری برو یا بزاری بایست
شب دیگر از ذکر و طاعت نخت	مریدی ز حالش خبر یافت گفت
چو دیدی کزان روی بستست در	به بی حاصلی سعی چندین میر
به دیباچه بر اشک یاقوت فام	به حسرت بیاریدو گفت ای غلام...

این ضبط نسخه فروغی و ۶ نسخه معتبر دیگر است . فقط در نسخه دوشنبه ای همام آمده که از روی قراین فوق دقیق نیست و ناشر محترم ترجیح داده اند که ضبط نسخه ۵ را به متن چسبانند .

\*\*\*

نمونه دیگر : در باب سوم صفحه ۱۰۷ سطر ۱۳ چنین آمده است :

نه نیروی سبر و نه جای ستیز	نه امکان بود و نه پای گریز
شاهد بر سر کلمه بود است که در این شعر بی معنی است .	زیرا بودن بمعنی هستی و وجود
و موجود و ماحضر است . سعدی خود ، بودن را در این معنی آورده است .	آنجا که فرماید :
به اندازه بود باید نمود	خجالت نبرد آنکه بنمود و بود

ناشر محترم می بایست در بیت فوق با مقایسه و مقابله نسخ معتبر قدیمی و از جمله دو نسخه اصلی ج و پ بجای بود که غلط آمده است بودن قید کند که به معنی درنگ است . سعدی در همین بوستان چند بار بودن را بکار برده و همه جا به معنی درنگ و توقف آورده است . مثلاً درس ۱۴۲ سطر ۵ همین بوستان حاضر چنین آمده است :

چو مردم این سخن گفت و صالح شنید	دگر بودن آنجا مصالح ندید
و نیز در ص ۱۵۲ سطر ۹ آمده است :	

چو نا مردم آواز مردم شنید	میان خطر جای بودن ندید
---------------------------	------------------------

در مثالهای فوق سعدی بودن را بمعنی درنگ و توقف آورده و شبهه ای نیست که بیت : نه امکان بود و نه پای گریز - می بایست چنین تصحیح شود : نه امکان بودن نه پای گریز . یعنی نه امکان درنگ و نه راه گریز . باید افزود که پس از مراجعه به حاشیه معلوم می شود که ۶ نسخه از ۸ نسخه مورد استناد ناشر محترم بودن آورده اند که صحیح است و از میان آن نسخ دو نسخه پ و ج بمثابة نسخ اصلی و اساسی محسوب میشوند که تبعیت از آنها بر ناشر فرض بوده است ولی ایشان باز ببادت مالوف ضبط ناهنجار و منفلوط نسخه ۵ را به متن چسبانیده اند .

بقیه در شماره بعد